



■ هجوم پاسداران و جاشها به روستاهای
کامیاران با مقاومت قهرمانانه مردم
و پیشمرگان کومله دفع شد.

● حمله مزدوران رژیم
به دزلی (مریان)

مهمینان مبارز!

● در مقابل وحشیگریها
بمبارانها، و اعدامهای رژیم
خون آشام حاکم
مقاومت توده ها هر روز
وسیعتر و دامنه دارتر میشود

● در حمله فاشیستهای
جمهوری اسلامی به روستای
مه لوی در سرشت
۹ نفر شهید و ۹ نفر زخمی
گردیدند

● در یک نبرد چند ساعته
۱۵ تن از مزدوران بعث
بزرگاری کشته و زخمی
و ۲ نفر دیگر
دستگیر شدند.

جنگ ایران هراق و اغلانات
در روزی و هر شکل دیگری که دارد او را
لحظه ای از تعقیب سیاست گشتار و
سرکوب زحمتکشان در کردستان و
دیگر نقاط ایران شکنجه و اعدام -
انقلابیون و خفقان آزادی هسای
د مکرراتیک باز نمیدارد ؟ پاسخ این
سئوال را باید در موج رهگشترش
اعتراضات توده ها و رشد آگاهی
طبقه تانی زحمتکشان در سراسر ایران
جستجو کرد ؟ که پیوند بینارزات
انقلابی خلق کرد. با این موج طوفان را
طبل مرگ رژیم سرمایه داران و
مرتجعین را بعد از می آورد .

د و سال جنبش مقاومت و د و سال
تجربه اند و ختن و د و سال دلاوری و
ند اکا ری نه تنها با خلق کرد بلکه متنام
زحمتکشان و خلق های ایران نشان
داد است که رژیم حاکم طریفهمه
د رند و خوشی هایش قادر به نابودی
مها رزات ها د لا نمود مها نیست
د و مقابل وحشیگریها و بهار آزادی
اند امها و مقاومت توده های

رژیم هراق دل بستگاست و د و کرد -
ستان باشد مستحکم مبارزات توده
ها رهرواست و قادر نیست از این
طریق به پا مال کردن دستاورد های
جنبش انقلابی بهره اورد . از اینسرو
تنها چاره خود را برای مقابله این
جنبش رهبرشد در سرکوب و حشانه
با نقضاست .

جنابیت و کشتار مردم بید فحاح در
کردستان برای رژیم امری هادی و روز
مر ماست . در خبرها میخوانید که
فانتومهای جمهوری اسلامی پس از
مراجعت از هراق آن تمداد از صعب
هائی را که با خود برگردانند مهودند و
بر سر مردم در روستای منطقه
بهرانشهر فروریزختند و این تنها
نمونه ای از وحشیگریهای هیست
حاکم خون آشام جمهوری اسلامی
است . صفحات خبرنامه های ما
بصورت بخشی از کارنامه سپاه روزانه
این رژیم در کردستان در آمده
است .

این در تند و خوشی و وحشیگری از
کجانشی میشود ؟ چرا برای رژیم

طی ماههای اخیر هر روز شاهد
غیرقتل عام و هماران مکی از روستا -
های کردستان مهود مایم . رژیم خون
آشام حاکم هر روز گوشه ای را به خون
کشید و هوستی و د ا روند از زحمتکشان
ستانی را د ر آتش و خاکستر کرده
است . رژیم سرمایه داران و سر -
تجمعین حاکم بر ایران که د ر صا رزات
ای زحمتکشان در روستای مرگ خو
ر می بیند و تعرض وسیعی را به پیش
زندگی روستا تان کردستان آغاز کرده
است و هر چه مقاومت گسترده تر
توده های ترمیشود و وحشیانه تر
سراسیمه تر از پیش بهوش می آورد .

هیست حاکم ضد خلقی با پیسره
برداری از فرصتی که در نتیجه جنگ
ایران و هراق برایش فراهم گردیده
است . سعی دارد که بحیال خود
د و از چشم مردم سراسر ایران
سرکوب خلق کرد را با بیابان برساند و
سپس بهریرانه های کردستان و سر
زمین سوخته حاکمیت خود را مستقر
گرداند . اگر د ر آیند مای نه چند ان
د و به سازشها بوند هستیانی با

اداره سرمقاله

هر روز وسیعتر و دامنه دارتر میشود. هم اکنون جنب و جوش روستاها برای سلاح شدن و برای سنگر بندی در اطراف روستاها و برای کشتن کانال وزاغه های دفاع هوایی چندین برابر شده است. زحمتکشان کردستان در تجربه روزانه خود باین نتیجه رسیدند که در مقابل دشمن خونخوار و سرکشگر چاره ای جز مقاومت سرسختانه ندارند.

طنی یکما خیز نیروهای سرکشگر رژیم در ریزش روستاها همهجا با سدی از مقاومت تودمهای مسلح همراه با پیشمرگان ریزشگر پیدا شده و روستاهای منطقه شنیده و مهاباد و دیواندره و کامیاران و... شاهد صحنه های پرشوری از مقاومت زحمتکشان در مقابل جنای بیگاران حاکم بود ما می. علاوه بر این مردم در شهرهای تحت اشغال ارتش هاسداران مبارزات خود را در اشکال مختلف همچنان ادامه داد و جنبه مقاومت وسیعی را در برابر نیروهای دشمن گشود مانند و این مبارزات بی امان سرانجام رژیم ضد خلقی حاکم را برانودر می آورد.

کامیاران

۵۹/۹/۲۶ - ساعت ۸ صبح خبرتاجم وسیع نیروهای ارتشی هاسداری جاش به روستاهای "ماسان" "کولساره" و "نجف آباد" به پیشمرگان کوهله (پل شهید فایق) رسید. پیشمرگان با روحیه عالی در برابر مواضع گسترده نیروهای دشمن سنگر بندی کرده و از ساعت ۹ صبح تا ۴/۵ بعد از ظهر درگیریهای شدت ادامه داشت. تعداد خود روحا مل نیروهای دشمن از طریق جاده "سرنه" و "نجف آباد" پیشروی کردند و حالیکه پیشاپیش آنها تعدادی جاش وارد آبادی نجف آباد شد بودند و خود نیز یکی روستاها شدند و سنگسری

بندی کردند. همچنین مدهای دیگر از نیروهای دشمن که از طریق رودخانه "آساله" بطرف نجف آباد آمد بودند در رتبه های بین نجف آباد و کولساره و آساله سنگر گرفتند. تعداد نفرات دشمن حدود ۵۰۰ نفر بودند به ۵ قبضه مسلسل کالیبر ۵ و خپارمانند از ۸ و ۶۰ و ۲۰ میلیتری مسلح بودند. در اثر مقاومت سرسختانه پیشمرگان کوهله که بیش از ۷ ساعت ادامه داشت و تعداد زیادی از سرکشگران کشته و زخمی گردیدند و بقیه مجبور به عقب نشینی شدند. مدهای از روستا - فیان باند آکاری کم نظیری دوش بدوش پیشمرگان در این نبرد بزرگ شرکت داشتند.

حتی مدهای با تنگ شکاری هماری پیشمرگان آمد بودند و در برابر دشمن تجا و زگرید فاع از جان و مال خود میبرد اختند. در جریان این نبرد یکی از پیشمرگان جوان و رشید کوهلمینام محمد مراد پس از ساعتها نبرد مورد اصابت گلوله های کالیبر ۵ دشمن قرار گرفت و شهادت رسید و در اثر خیمارها ران روستاهای "کولساره" و "ماسان" به تعدادی از خواه های روستا فیان آسیب وارد آمد.

بهر روز پیشمرگان در این نبرد روحیه مردم منطقه را بسیار بالا برده است و همه جایا شور و اشتیاق از آنها استقبال میکنند.



کاک محمد مراد جوانی ۱۹ ساله از اهالی روستای "داره سرو" بود که در دوره کوتاهی زندگی پر بارش و نجو و استقامت زحمتکشان را با گوشه و پیوست احساس کرده و با طبعی سرشار از کینه برای شرکت در مبارزه های

لانمخاطرهای زحمتکشان از زهر بارستم و استقامت و صف پیشمرگان کوهلمی پیوسته بود. سابقا همسراه برادرش در شرکت های ساختنی در شهرهای مختلف ایران کار میکرد و از این راه پدرش را در ادامه زندگی خانوادشان یاری میداد.

جنازه شهید کاک محمد پس از حضور مدهای از اهالی روستاها منطقه طی مراسم پرشوری در یکساز روستاها خاک سپرده شد.

هریوان

۵۹/۹/۱۷

صبح این روز پیشمرگان سازه چریکی (اقلیت) با مزدوران رزگاری در روستای "بهرام آباد" درگیر شدند. پس از مدتی درگیری یکی از مزدوران رزگاری کشته و یکی از پیشمرگان بمبار مخاطر زخمی گردید. پیشمرگان کوهله (پل شهید امین) هنگامی که از جریان باخبر شدند به کمک پیشمرگان فدایی شتافتند و کمک آنها توانستند پیشمرگان را از میدان خارج کنند که متأسفانه قبل از رسیدن به دکتر بشاد ت رسید پیشمرگان بعد از چندین ساعت نبرد قهرمانانه روستا را محاصره کرده و وارد آنجا شدند. درگیری تا شب ادامه داشت و در نتیجه آن ۷ تن از مزدوران رزگاری کشته ۸ مزدور دیگر زخمی شدند و دوتن آنها با سارت پیشمرگان کوهله در آمدند. در میان کشته شدگان "حملا" یکی از سلولسین مزدوران رزگاری دیده میشود. بقرا اطلاع "حمه پیزه" مسئول مقر "بن دول" نیز که از ناحیه شدت زخمی شده بود به هلاکت رسید است.

مدهای از مزدوران بعضی که برای کمک به مزدوران رزگاری خود را بنزد یکی بهرام آباد رسانده بودند با مقاومت شدید پیشمرگان روبرو شدند پس از دادن طقات، زیادی مجبور به عقب نشینی شدند.

در این درگیری چهارتن از پیشمرگان کومله زخمی شدند .

● ۵۹/۹/۱۸ - افراد قباده موته ارتشی پاسدار و جاساس از چند طرف روستای "دزلسی" را محاصره کرده و در سامانت ۹ صبح با پیشمرگان دیکرات که در زلی مفردا شدند و چند نفر از پیشمرگان کومله (که جهت مداوای سه نفر از پیشمرگان که در جریان درگیری با مزدوران زرگار به دزلی رفته بودند) درگیر میشوند . درگیری تا چند ساعت ادامه داشت و در جریان آن ۷ تن از پیشمرگان دیکرات یک پیشمرگ به نام کاک ناصر مصطفی سلطانی شهادت رسیدند . در جریان این حمله سه پیشمرگ نگار کومله که در درگیری با مزدوران زرگاری زخمی شده و جهت مداوای دزلی رفته بودند با سارت نیروهای دشمن در آمدند . سازمان ما به تأمین رژیم اطلاع داد ماست که تعرض به جان این پیشمرگان اسیر با عکس العمل مقابل از جانب ما رهبر خواهد بود . و جان سلفین حکومتی که در اختیار ما هستند بخطر نخواهد افتاد .

بمردشت

● ۵۹/۹/۲۸ - فانتومهای رژیم جمهوری اسلامی از ساعت ۱ صبح با رد بگر روستای "هملوی" را بمباران کردند . در اثر اصابت راکت بمبیک خانه مسکونی یک مادر همراه دختر ۲ ساله و همسرش در دم به شهادت رسیدند و دست های سه کودک نمرود سالشان قطع گردید . در این حملات کاک محمد ملاحان (آب - بسته) هوادار فعال کومله نیز شهید شد و جمعا ۵ نفر شهید و ۹ تن زخمی گردیدند و سه خانگی هیران و خانه دیگر آسیب دیدند در روستای "ورگیل" هم یک نفر در اثر اصابت راکت فانتوم شهید شد .

بیش از یک ماه است فانتومها و هلیکوپترهای رژیم جمهوری اسلامی روستاهای اطراف سردشت را بمباران کرده و راکت می بندند و تاکنون چندین نفر را به شهادت رسانده و دهه زیادی را زخمی کردند و دهها خانه را هیران کرده اند . این حملات عشم و نفرت زحمتکشان منطقه نسبت به رژیم جمهوری اسلامی افزایش

داده و همز آنها را در ادامه مقاومت و اسخ تو کرد ما ست .

جنایات رژیم نه تنها غلغلی مبارز کرد را از ادامه راهشسان منصرف نکرد ما ست . بلکه داخه مقاومت این خلق رزمنده را هر روز گسترده تر کرد ما ست .

اسامی شهدا و زخمیها :

- ۱- محمد ملاحان (آب بسته) ۲۳ ساله
 - ۲- فاطمه رسول مایشه محبول ۴۵ ساله
 - ۳- غدیده دختر فاطمه
 - ۴- زنی بنام مریم ۶ ساله .
- اسامی زخمیها :
- ۱- مریم ششانی ۲- زهرا غضری ۳- سارا غضری ۴- شهبان غضری ۵- مایشه غضری ۶- آمین عبدالی ۷- فاطمه ملاحان ۸- گلبنی محمدیان ۹- زهرامغانی .

در همین روز شهرک ربط خمیار مبارز شد که در نتیجه اصابت خمپاره چند ساختمان غیر مسکونی آسیب دید و همچنین مزدوران رژیم روستاهای اطراف گانی کویز و "همروزان" را خمپاره و توپ تاران کردند .



بیان پیشمرگان قهرمان کومله کاک ناصر مصطفی سلطانی

شهید کاک ناصر مصطفی سلطانی روشنفکر انقلابی و معلم دلسوز دانش آموزان منطقه میروان و پیشمرگ قداکار کومله بود . کاک ناصر از دوره دبیرستان در مبارزات سیاسی مردم میروان فعالانه شرکت داشت و همواره به دانشسرای راهبانی کرمانشاه رفت در آنجا نیز در مبارزات دانشجویان این دانشسرا نقش مؤثری بعهده گرفته .

در ماههایی که بعنوان معلم به میروان بازگشته بود در بهال بودن سطح آگاهی سیاسی دانش آموزان و کمک به شکل آنان از هیچ کوششی فروگذار نکرد .

در تابستان سال ۵۷ در تظاهرات پرشوری که به پشتیبانی از انحصار غذای ۲۴ روزه زندانیان سنگه برگزار شد شرکت کرد و از طرف مزدوران رژیم شاه دستگیر گردید . اما توانست از دست آنها فرار کرده و با رد بگر نصف میروان بپیوندد .

پس از قیام در ایجاد ستاد حفاظتی شهر میروان شرکت داشت و در اتحادیه دهقانان میروان به فعالیت خود ادامه داد و نصف پیشمرگان این اتحادیه بپیوست .

و از آن هنگام تا روز شهادت در تمام مبارزات پیشمرگان کومله در میروان فعالانه شرکت داشته است . در جریان حمله مزدوران زرگاری به در سنگرهای اطراف پادگان میروان . . . دوش بدوش دیگر همزمان شرکت داشت و سرانجام در روز ۵۹/۹/۱۸ هنگامیکه از پیشمرگان زخمی کومله در دزلسی مراقبت میکرد با حمله فضاگیرانه دشمن رهبر شد و پس از مقاومت قهرمانانه به شهادت رسید .

ستاد فداکارها و قهرمانیهای او برای همیشه در دل پیشمرگان کومله و زحمتکشان زند ما ست .

**در یک درگیری شدید
نزدیکی میان دو آب دهها
نفر از مزدوران رژیم -
بہلاکت رسیدند**

۵۹/۹/۲۷ - ارتشیان ها -
سدازان سرکمیگره روستای
"خوری آباد" در نزدیکی
میاند آب بپوش بردند که با مقاومت
شدید مردم روستاهای منطقه
بپشمرگان حزب دمکرات سازمان
چریکهای فدائی (اقلیت) روبرو
شدند. درگیری ۲ ساعت ادامه
داشته که طبق اطلاع سید علی آن
حدود ۷۰ الی ۸۰ نفر از نیروهای
دشمن کشته و ده "نهادی زخمی
شدند و تعداد زیادی اسلحه و
مهمات بدست مردم پشمرگان
افتاد. همچنین متن از پشمرگان
بشهادت رسیدند. شدت این
درگیریها بعدی بود که دشمن
نتوانست جنازه ده "نهادی از کشته
های خود را از میدان نبرد خارج
سازد.

**بخشی از اعلامیه
موضوع ۵۹/۹/۲۷
گومهله - مهاباد**

● اخیراً کومهله - مهاباد، در رابطه
با دستگیری چهارتن از هواداران،
کومهله در نزدیکی مهاباد بوسیله
حزب دمکرات وادیت و آزارانسان
اعلامیای بنیان کردی منتشر کرده
است. ما در اینجا ترجمه بخشی از
این اعلامیه را با گامیتان میسرانیم:
مردم ما روز تا حیم مهاباد!
خلق قهرمان کسرد!
شب ۵۹/۹/۱۷ چهارتن
از هواداران کومهله بر طبق
مأموریتی که از طرف سازمان بانها
محول شده بود یکی از جاشهارادر
شهر دستگیر برای تحقیق و از جوی

با خود خارج نمودند پشمرگان
حزب دمکرات در یکی از دهات اطراف
شهر بانها روبرو شده بانترنگ
آنها را برای رنج خستگی به مسجد
آبادی دعوت میکنند و در آنجا
نا جوانمردانه آنها را فکری کرده
و مورد بیورش قرار میدهند پس از آن
و آزار زیاد آنان را زندانی کرده و
جاش منور را آزاد می نمانند . . .

روز بعد مسئولان مهاباد
مسئولان حزب دمکرات
در آن منطقه ملاقات میکنند و آنها
اطلاع میدهند که دستگیر شدگان از
طرف کومهله مأموریت داشته مابند
هر چه زودتر آزاد گردند. اما
مأمورین حزب دمکرات از این عمل
ناروای خود دست برنداشته و آنها
را آزاد نمیکنند . . . بدنبال
آن مانعهای برای تشکیلات بوگان
حزب دمکرات نوشته و از آنها
خواستیم که مسئله را به مرکز حزب
گزارش دهند و یاد دیگر آزادی -
زندانیان تاکید کردیم . . . اما
تاکنون بآن جوابی نداده اند . . .
همسپنان مبارز!

اگر حزب دمکرات در برابر جاشها
تلاشکاری کرده و از آنها دفاع
میکند حتی عده زیادی از آنها را در
بنای خود میگیرد. ما بپشمرگان از
جیش مقاومت خلق کرد دفاع میکنم
همانهمی اساس حزب دمکرات که
گویا باید کارهای اجرایی منحصر
در دست آنها باشد نمیتواند در دفاع
لیتھای ما وقفای ایجاد نماید.
فعالیتھای راکه حزب دمکرات
از آن بعنوان کار اجرایی نام میبرد و
بخشی از مبارزات روزمره ما است که
تاکنون در جهت منافع زحمتکشان
همسپنان آنرا بپیش برد و ما زاین پس
نیز قاطعانه تر از همیشه آزاد نیال
خواهیم نمود . . .

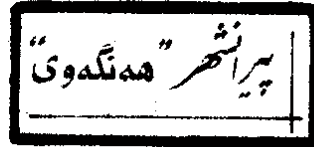
اینگونه اعمال حزب دمکرات به
روشنی نشان میدهند که تا چه اندازه
بمصلح جیش مقاومت می اعتناست و
سازمان ما تاکنون چگونه احساس
مسئولیت سعی کرده است مسئولین

حزب دمکرات را از طریق گفتگو
با خود دارای زهرگنده درگیری
از انجام این کارها بازدارد . . .
ما از مردم مبارز شهر و روستاهای
مهاباد و دیگر نقاط کردستان می
خواهیم که بین گونه اعمال حزب
دمکرات اعتراض کنند و . . . ضمناً
حزب دمکرات را مسئول هرگونه
حادثهای میدانیم که در افراد امه
دستگیری این رفقای ما پیش بیاید .

**تظاهرات دانشی
آموزان مبارزبانہ در
اعتراض به غارت اموال
مردم بوسیله پاسداران
و جاشها .**

● ۵۹/۹/۲۷ - در این روز
جاشها پاسداران اقدام به غارت
اموال چندین منزل میکنند .
در نزدیکی شهر هنگامیکه
مشغول غارت خانه یکی از شهدا
بنام انور احدی بودند ، دانش
آموزان مدرسه "راهنمایی دختران"
که تازه از مدرسه خارج میشدند
مشاهده عمل جاشها بآن اعتراض
کرده و اقدام به تظاهرات کردند .
ضمن گذشتن از چند خیابان
شهر شعارهایی بر طبق جاشها
پاسداران دادند و خواندن
سرودهای انقلابی برداختند .
در مسیر تظاهرات دانش آموزان -
مدرسه "راهنمایی شانزده دی نیز
بمآنها پیوستند این تظاهرات
قبل از آنکه جاشها پاسداران -
بتوانند آنرا برانگیزد سازند
در میدان شهر به پایان رسید .
اخیراً جاشها در پاتنه به باجگیری
از مردم پرداخته ماند و در قاپاسیل
گرفتن رشوه به عدهای اجازه خروج
اجناس از شهر را میدهند . این
اقدام جاشها با مخالفت پاسداران
روبرو گردید . بطوریکه در روز سه

۵۹/۹/۲۴ این مخالفتها منجر به درگیری مسلحانه بین آنها میشود. پس از مدتی نیرواندازی متقابل جاشی بنام حسن فرجی "درهت حسن" کشته میشود.



۵۹/۹/۲۸ - ساعت ۲/۵ بعد از ظهر چند فروند از فانتومها

جمهوری اسلامی از پیرانشهر به سوی خاک عراق رفته پس از مدتی چهاره به ایران برگشته بقیه بمبهای خود را بر روی مردم روستاهای "همنگهوی" و "قلات" (در ۲۰ کیلومتری پیرانشهر) ریختند و در نتیجه در روستای "همنگهوی" سه نفر از اهالی بیدفاع زخمی شدند و در روستای "قلات" خسار زیادی به بار آوردند. روستای "همنگهوی" سومین بار است که مورد هجوم

وحشیانه فانتومهای جمهوری اسلامی قرار میگردد که جمعا تاکنون ۱۳ نفر در این روستا شهید و دهه زیادی زخمی شده اند. همچنین در این حملات چندین خانه ویران گردیده و مقدار زیادی از طوفه اهالی از بین رفته است.



یاد کاک محمد ملارحمان هوادار دلسوز کومله را گرامی میداریم.

محمد ملارحمان (آب بسته) یکی از هواداران فعال و دلسوز کومله بود. او در یک خانواده خوش نشین در روستای "هملوی" به دنیا آمد. کاک محمد از سن هفت سالگی بعد از معرفت ولی بعلت فقر نتوانست تحصیلاتش را ادامه دهد. اما چون به ادامه تحصیل علاقه فراوان داشت طلبه شد و مدت ۵ سال درس طلبگی خواند و در ضمن درس خواندن به کارگری میپرداخت. پس از آن برای جستجوی کار به تهران و سپس زرفست و در شرکت های ساختمانی بکار مشغول شد و در آنجا بهر اینش با رنج و استقامت کارگران آشنا شد. شهید کاک محمد بعد از قیام با رفقای کومله آشنا شد و در این رابطه همه سازی فعال تبدیل گردید. کاک محمد از بالا بردن سطح آگاهی خود و دیگر زحمتکشان هم رزق لحظاتی کوتاه نمیگردد. سرانجام در حالیکه به خواست خانهای راکه در آتش بهاران رژیم جمهوری اسلامی مسوخت خاموش کند مورد اصابت یک راکت قرار گرفت و به شهادت رسید.

روستاییان رزمندگرددستان!

هم اکنون زحمتکشان بسیاری از روستاهای کردستان با تصمیم قاطع به مقاومت در برابر خون آشامان رژیم جمهوری اسلامی، اطراف روستاهای خود را سنگر بندی کرده و در مقابل حمله هوایی و زمینی دشمن کانالها و زائنه های بسیاری در نقاط مختلف کشته اند.

شما نیز برای دفاع از خود در مقابل دشمن جنایتکار از آنها سرمشق بگیرید.

با کندن کانال و زائنه جان خود را از خطر حملات دشمن حفظ کنید.

پیشمرگان ما در حد امکانات خود شمارا یاری خواهند داد.

بیاد چهلمین روز شهادت

کاک وفا
سهامی
کاک شکرالله
کلاه قوچی

چهل روز قبل در تاریخ ۵۹/۸/۲۲ سازمان مائیکه دیگر از رفقای دلیر و جان برکف خود را در راه آرمان ولایت طایفه کارگر و دیگر محنتکشان ایران از دست داد. کاک وفا سهامی معلم دلسوز و بهشمرگ کاروان ولایت کومله در یک نبرد بزرگ در نزدیکی "محمو" بین دیواندره و سنندج در حالیکه سعی میکرد صدای از رفقای محاصره شده‌اش را نجات دهد، همراه یکی از همزمانش بنام شکرالله کلاه قوچی به شهادت رسیدند.

کاک وفا سهامی در سال ۱۳۲۸ در سنندج بدنیا آمد. در همین شهر بعد رسته رفت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را به پایان رسانید. کاک وفا در تمام این دوره از زندگی‌اش بخاطر تنگدستی خانوادگی تابستانها بکارگری میبرد و از این راه سعی میکرد پدرش را در تأمین مخارج زندگی‌اش کمک نماید. کاک وفا پس از خاتمه تحصیلات دبیرستان وارد دانشکده ادبیات شد و در رشته جغرافیا به تحصیل ادامه داد. پس از خاتمه دوره دانشکده بعنوان دبیر دبیرستانهای قروه بکار مشغول شد. در سالهای اوجگیری مبارزه بر علیه رژیم شاه مزدور با تمام توان خود در این مبارزات شرکت کرد و در پیج سازماندهی دانش آموزان در سنندج و قروه نقش ارزنده‌ای داشت. سادگی و صمیمیت کاک وفا جای او را در دل همه مردم مبارز منطقه باز کرده بود.

بعد از قیام فعالیت‌های خود را در جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب ادامه داد. درد و راول جنبش مقاومت کاک وفا در داخل شهر به انجام وظایف سیاسی خود مشغول بود و در سازماندهی مبارزات دانش آموزان در پاییز ۵۸ نقش فعالی بعهده گرفت. دانش آموزان با جان و دل کاک وفا دلسوز و فداکار را دوست داشتند. وی همچنین به عنوان نماینده دبیران در کانون معلمین انتخاب شد.

بعد از ورود بهشمرگان به سنندج کاک وفا بعنوان یکی از مسئولین کمیته دانش آموزی کومله در این شهر به فعالیت پرداخت و در ضمن تدریس به کار ادامه داد. در این کمیته مشغول شد و در گسترش هسته‌های دانش آموزان سازمان دادن متینگی و ظاهراتی که از طرف کومله و سنندج برگزار میشد نقش بسزایی داشت. پس از مقاومت دلیرانه‌ی ۲۲ روزه مردم قهرمان این شهر و خروج بهشمرگان مسئولیت سیاسی یکدسته از بهشمرگان لقمه شهید سعید به کاک وفا سپرده شد.

کاک وفا مبارز فداکار و خستگی ناپذیر و سرشار از عشق برای بهشمرگان کومله بود. پس از پیروزی رژیم به روستای "هاله دره" طایفه وی مسئولیت جمع آوری کمک به آسیب دیدگان این روستا را بعهده گرفت. عشق و ملاحظه فراوان همراه با مردم به بازسازی خانه‌های سوزانده شده مشغول شد. بیکر کاک وفا در روستای افراسیاب و در کنار همزمزم قهرمانش کاک شوان بخاک سپرده شد. خاطره این رفیق مبارز و انقلابی خستگی ناپذیر ما را در ادامه راه پرافتخارمان مصمم تر می سازد.



شهید کاک شکرالله کلاه قوچی که چهل روز پیش در نبرد "محمو" همراه رفیق همزمزمش کاک وفا سهامی به شهادت رسید، در سال ۱۳۵۴ در رشته برق از هنرستان صنعتی فارغ التحصیل شد و در ژاندارکوز استان کرمانشاهان در منطقه اورامانات مشغول سربازی گردید. در این دوره در بین سربازان ژاندارکوز و روستائینی که در منطقه با آنها دسترسی داشت به فعالیت سیاسی و همزمان با اوج گیری مبارزات توده های مردم ایران روزهای قبل از قیام از ژاندارمری بیرون آمده و مبارزین شهر سنندج پیوست.

در جریان تهور خونین سنندج با جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب همکاری میکرد و یکی از فعالین پر شور محله آغازمان بود. از آن پس در همه صحنه های مبارزات خلق کرد در سنندج و میتوان فعالیت پر ثمر شهید شکرالله بی وقفه ادامه داشت. درد و راول جنبش مقاومت و پس از ورود بهشمرگان بهشمر در رابطه با دفتر ما مستاسید مراد بین به فعالیت پرداخت و در تشکیل هیئت مؤسس شورای عالی محلات سنندج نقش مؤثری بعهده گرفت.

در جریان مقاومت قهرمانانه مردم سنندج درد و روم جنبش مقاومت بعنوان یکی از اعضا فعال کمیته نظامی و امداد بنکه محله آغازمان فعالانه در این مقاومت ما دلانه و کم نظیر شرکت داشت. پس از خروج بهشمرگان از شهر شهید شکرالله به صف بهشمرگان کومله پیوست و در لقمه شهید سعید به مبارزه ادامه داد و سرانجام در این آخرین سنگر مبارزات خود به شهادت رسید.